

ماهیت و مبانی بیمه‌ی مسولیت مدنی اجباری در حقوق ایران

سیدمحمدحسن ملائکه‌پور شوشتری*

تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۳۰

چکیده

به رغم رشد فزاینده‌ی میزان استفاده از بیمه‌های مسولیت مدنی، اما هنوز ماهیت حقوقی این قرارداد آشکار نیست. توجه آثار این قرارداد بر طرفین آن و اشخاص ثالث زیان‌دیده، صرفاً با تکیه بر شناخت ماهیت این قرارداد ممکن خواهد بود. فاصله گرفتن از قواعد عمومی قراردادها در بیمه‌نامه‌های مسولیت، نظیر تعهد بیمه‌گر در پرداخت خسارت به شخص ثالث زیان‌دیده حتی در صورت عمد بیمه‌گذار و سایر مواردی که با قواعد عمومی توجه‌پذیر نمی‌باشند، همگی نشان از آن دارد که باید برای این نوع بیمه‌ها یک ماهیت مستقل در نظر گرفت. هرچند می‌توان از نظریه‌ی تعهد به نفع شخص ثالث و پرداخت خسارت متناسب به بیمه‌گذار سخن گفت اما به نظر می‌رسد ماهیت قرارداد بیمه‌ی مسولیت اجباری، تضمین جبران خسارت زیان‌دیده به حکم قانون و در محدوده‌ی قرارداد بیمه باشد. ماهیت مستقلی که نه با نهاد تعهد به نفع شخص ثالث تطابق دارد و نه حفظ تعادل دارایی بیمه‌گذار. راز تشخیص این ماهیت در بررسی مبانی مسولیت در قراردادهای بیمه‌ی مسولیت مدنی نهفته است. در واقع اگر بپذیریم که تضمین حق، مبنای پذیرفته شده مسولیت در حوزه‌ی مسولیت‌های مشمول بیمه‌نامه‌ی اجباری مسولیت مدنی می‌باشد، آنگاه مبتنی بر همین استدلال، ماهیت پیچیده‌ی بیمه‌ی اجباری مسولیت مدنی توجه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: بیمه‌ی مسولیت مدنی، بیمه‌ی شخص ثالث وسایل نقلیه‌ی موتوری، مسولیت مدنی

مقدمه

با صنعتی شدن زندگی و گسترش ماشینیسیم خطرات تهدید کننده‌ی زندگی بشری افزایش یافت. مواجه شدن با خطرات و پذیرفتن خسارات آن اجتناب‌ناپذیر است. نمی‌توان از بروز حوادث جلوگیری کرد اما می‌توان با اندیشیدن تمهیداتی آثار زیانبار حوادث را به حداقل ممکن رساند. پس باید به دنبال راهکاری بود تا از یک طرف بتوان آثار مخرب حوادث ناشی از زندگی جدید را کاهش داد و از طرف دیگر رشد اقتصادی را با ترمز مسوولیت مدنی متوقف ننمود. راه حل منطقی برای جمع این دو مصلحت، بیمه است. در این میان اهمیت بیمه‌های مسوولیت دو چندان است. با این شیوه منافع بیمه‌گذار و قربانی حادثه تامین می‌گردد و صنعت بیمه نیز به عنوان فعالیت اقتصادی سود ده رشد و توسعه می‌یابد. به همین مناسبت، امروز یکی از شاخص‌های وضعیت صنعتی کشورها، میزان درآمدهای بیمه‌ای آن‌ها است.

هرچند قدمت بیمه‌ی مسوولیت در دنیا به قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد اما در کشور ما صنعت نوپایی است. به‌طوری‌که اولین قانون بیمه در سال ۱۳۱۶ و اولین قانون بیمه‌ی اجباری مربوط به وسایل نقلیه‌ی موتوری در سال ۱۳۴۷ مورد تصویب قرار گرفته است. قانون اخیر در سال ۱۳۸۷ اصلاح گردید. البته در سال ۱۳۸۴ لایحه‌ای تحت عنوان بیمه‌ی تجاری تقدیم مجلس گردید که در گذر از مرحله پارلمانی مسکوت ماند. طبیعتاً عدم قدمت بیمه یکی از عوامل کمبود آثار حقوقی در این حوزه است. در این میان ماهیت حقوقی قرارداد بیمه‌ی مسوولیت مدنی بیش از سایر موارد نیاز به بررسی دارد. چرا که بر خلاف بیمه‌های اموال و بیمه‌های حوادث که در تحلیل ماهیت حقوقی آن‌ها با دشواری خاصی روبرو نمی‌باشیم در تحلیل ماهیت حقوقی بیمه‌های مسوولیت به‌خصوص در موارد اجباری آن نظیر بیمه‌ی شخص ثالث وسایل نقلیه‌ی موتوری، ابهامات زیادی وجود دارد. توضیح آن‌که در توجیه ماهیت بیمه‌های اختیاری مسوولیت مدنی با سختی چندانی مواجه نیستیم زیرا اخذ این پوشش‌ها با اراده‌ی بیمه‌گذار صورت می‌پذیرد و بدیهی است

که ذی‌نفع اصلی آن نیز خود بیمه‌گذار باشد. در واقع بیمه‌گذار برای حفظ تعادل دارایی خود از بیمه‌ی مسوولیت مدنی استفاده می‌نماید. آنچه دشوار می‌نماید توجیه ماهیت بیمه‌های اجباری مسوولیت مدنی است. بیمه‌هایی که اخذ آن‌ها توسط بیمه‌گذار به اجبار قانون صورت می‌گیرد. تمرکز ما در این مقاله نیز بر توجیه ماهیت این گونه از بیمه‌ها می‌باشد. البته از نظریاتی که در این باره رایج می‌نمایم در توجیه ماهیت بیمه‌های اختیاری مسوولیت نیز استفاده خواهیم کرد. با این ترتیب به لحاظ منطقی برای تبیین بحث باید ابتدا از ساز و کار و آنچه که در عمل در بیمه‌ی اجباری مسوولیت ناشی از حوادث رانندگی به‌عنوان مهم‌ترین شاخه بیمه‌ی اجباری مسوولیت مدنی اتفاق می‌افتد سخن گفت و پس از درک این شاخه از بیمه، در مرحله‌ی بعد به تحقیق در مورد ماهیت آن پرداخت. با این توضیح و با عنایت به این که تمرکز اصلی به بیمه‌ی مسوولیت مدنی ناشی از حوادث وسایل نقلیه معطوف خواهد بود، بحث را در دو بخش با عناوین ساز و کار و عملکرد بیمه‌ی اجباری مسوولیت حوادث رانندگی و نظراتی که در مورد ماهیت این بیمه‌ها وجود دارد پی می‌گیریم.

۲- ساز و کار و عملکرد بیمه‌ی اجباری مسوولیت حوادث رانندگی

بی‌تردید برخی از حوادث رانندگی به دنبال اشتباهی اتفاق می‌افتد که از هر انسان متعارفی سر می‌زند. در این موارد مسوول حادثه مرتکب هیچ‌گونه تقصیری نشده است، اما ضرورت حمایت از اشخاص ثالث، قانون‌گذاران را بر آن داشته است تا با دوری از نظام سنتی تقصیر در پی یافتن نظریات جدید برای توجیه حقوقی حمایت همه‌جانبه از اشخاص ثالث زیان‌دیده شوند. در واقع تاسیس بیمه‌ی مسوولیت اجباری به معنای نفی مسوولیت مبتنی بر تقصیر می‌باشد. به همین دلیل است که برخی محققان (کاتوزیان، جنیدی، غمامی، ۱۳۸۶: ۱۶) معتقدند ضمان ناشی از حوادث رانندگی در بسیاری موارد نتیجه خطری است که حرکت با اتومبیل برای دیگران ایجاد می‌کند. به هر جهت زیان‌های فراوان وسایل نقلیه‌ی

موتوری موجب شده است قانون‌گذار از نظام اخلاقی فاصله گرفته و در اندیشه ضرورت‌های اجتماعی باشد. با این حال هرچند باید اذعان نمود این نوع نگاه، باعث آسان شدن جبران خسارت می‌گردد اما این نکته را نیز نباید فراموش کرد که اگر راه افراط پیموده شود و در کنار بیمه، کسر فرانشیز و دیگر راهکارها در نظر گرفته نشود، بیمه شده دیگر نگران آثار تصادم‌ها نخواهد بود.

در ایران تا سال ۱۳۴۷ مسوولیت ناشی از حوادث رانندگی تابع قواعد عمومی بوده است. اما چنین عملکردی نتوانست پاسخگوی نیازهای جامعه باشد. به همین دلیل قانون‌گذار در سال ۱۳۴۷ با تصویب قانون بیمه‌ی اجباری مسوولیت ناشی از وسایل نقلیه‌ی موتوری زمینی طرحی نو بر انداخت و از قواعد عمومی مسوولیت مدنی فاصله گرفت. در نظام جدید، مسوولیت محض برعهده‌ی دارنده قرار گرفت و مسوولیت راننده همچنان در پناه قواعد عمومی حقوق مسوولیت مدنی باقی ماند. عدم برداشت صحیح از اقدام قانون‌گذار در وضع قواعد خاص مسوولیت مدنی در حوزه حوادث وسایل نقلیه، موجب شده است برخی نویسندگان تصور کنند مقنن با وضع قوانین موخر مانند قانون مجازات اسلامی، مبنای مسوولیت را دایما تغییر داده است.

یادآوری می‌نماید که ما در این مقاله قصد بررسی کلیه‌ی مسایل مربوط به بیمه‌ی اجباری شخص ثالث وسایل نقلیه را نداشته و صرفاً به ذکر مواردی بسنده می‌نماییم که با موضوع بحث ما مرتبط است. زیرا از یک طرف بسیاری از بحث‌های این حوزه از مسوولیت از قلمرو بحث ما خارج است و از طرف دیگر خوشبختانه به نسبت مطالب زیادی در این باره نوشته شده است. با این مقدمه مطالب این گفتار را در شش بند ارایه می‌دهیم.

۲-۱- مبنای حقوقی مسوولیت ناشی از حوادث رانندگی

پیش‌تر گفته شد قانون‌گذاران به سمت تضمین پرداخت خسارت زیان‌دیده و حمایت کامل از وی حرکت نموده‌اند. برای نمونه با این که غالباً راننده مرتکب حادثه می‌شود و یا بر اثر آتش‌سوزی اتومبیل به اشخاص ثالث زیانی وارد می‌آید و

در هر دو مورد دارنده مرتکب تقصیر نشده است، اما قانون بیمه‌ی اجباری، دارنده را مسوول می‌داند. چنین حمایت گسترده‌ای که قواعد سنتی مسوولیت مدنی را در نوردیده است توجیه مناسبی می‌طلبد. در این راه، از توجیهی باید استفاده کرد که با سایر قواعد مسوولیت مدنی مانند اصول کلی مسوولیت مدنی موجود در قانون مدنی و قانون مسوولیت مدنی هماهنگ بوده و چارچوب اصلی نظم حقوقی را پریشان نکند. در واقع با در نظر گرفتن هدف قانون‌گذار از حفظ قواعد عمومی مسوولیت به نظر می‌رسد آن چه در عمل با تصویب قانون بیمه‌ی اجباری شخص ثالث اتفاق افتاده است، ایجاد قواعد خاص مسوولیت مدنی در زمینه‌ی بیمه‌ی مسوولیت وسایل نقلیه است. قواعدی که دقت در آن‌ها به خوبی نشان می‌دهد صرفاً در همین حوزه قابلیت استفاده داشته و نمی‌توان بر پایه آن، سایر قواعد مسوولیت مدنی را توجیه نمود.

بنابراین مقنن با علم به شرایط خاص وسایل نقلیه و حوادث مربوط به آن‌ها دست به ایجاد قواعد نوظهور در این حوزه از مسوولیت مدنی زده است. برای درک این قواعد خاص، ابتدا باید اصلی‌ترین موضوع یعنی مبنای مسوولیت دارنده را بررسی کنیم. در پناه این بررسی است که می‌توانیم از ماهیت این بیمه‌ها سخن بگوییم. مطالعه‌ی تحقیقات و آثاری که در این زمینه وجود دارد نشان می‌دهد چهار نظریه‌ی فرض تقصیر، تخلف از تعهد حفاظت وسیله‌ی نقلیه، نظریه خطر و بالاخره اماره مسوولیت پیرامون توجیه این قواعد خاص مطرح شده است. اما به نظر نگارنده درک مبنای این قواعد خاص در نظریه‌ی تضمین حق نهفته است. در ادامه به تبیین نظریات مذکور پرداخته و سپس با استفاده از نتایج حاصله، بحث ماهیت این بیمه‌ها را مطرح می‌نماییم.

۲-۱-۱- فرض تقصیر

چه بسا گفته شود قانون‌گذار در قانون بیمه‌ی اجباری وسایل نقلیه برای آن‌که کم‌ترین انحراف را از قواعد عمومی مسوولیت مدنی نماید، مسوولیت را بر پایه‌ی فرض تقصیر استوار نموده است. فرضی که بر مبنای حکم غالب استقرار یافته

است. زیرا در اغلب اوقات، دارنده اتومبیل بی احتیاطی کرده است. اما چنین مبنایی را به دلیل پیامدهای منفی آن نمی توان پذیرفت. زیرا مطابق با عموماًت، خلاف اماره قابل اثبات است. پس اثبات بی تقصیری دارنده به هر طریقی که باشد وی را از مسوولیت معاف می نماید. این در حالی است که قانون به چیزی بیش از این نظر داشته است. پس چنین تلقی با واقعیت تطابق ندارد. هم چنین این نظر با مبنای پذیرفته شده در حقوق اسلامی مغایر است. زیرا مبنای اصلی مسوولیت در فقه اسلامی قاعده لاضرر و تدارک ضرر ایجاد شده است. مطابق با این قاعده، صرف وجود رابطه سببیت میان فعل عامل زیان و ورود زیان به شخص ثالث، باعث لزوم تدارک زیان می گردد. در این فرآیند تقصیر جایگاهی ندارد.

۲-۱-۲- تخلف از تعهد مربوط به حفاظت وسیله نقلیه

مبنای دیگری که می تواند از انحراف زیاد از قواعد عمومی مسوولیت بکاهد، استفاده از عنوان تعهد به نتیجه است. با این توضیح که مقنن دارنده وسیله نقلیه را متعهد به حفاظت از وسیله نقلیه و منع از اضرار به دیگران نموده است. این تعهد یک تعهد به نتیجه است. ورود ضرر به شخص ثالث نشان از نقض تعهد دارد. مطابق با این نظر برای معافیت دارنده از مسوولیت، اثبات بی تقصیری به تنهایی کافی نیست، بلکه باید اثبات شود که رابطه سببیت بین عمل دارنده و وقوع حادثه وجود نداشته است و علت واقعی آن عامل خارجی بوده است. با این توجیه است که بر اساس قانون بیمه اجباری مسوولیت ۱۳۴۷ فقط قوه قاهره موجب معافیت از مسوولیت می گردد. با این حال به رغم ظاهر مستقل این نظر، اما نمی توان انکار کرد که در واقع برگردانی از نظریه مسوولیت محض با رنگ و لعابی قراردادی است.

۲-۱-۳- مسوولیت بدون تقصیر بر مبنای نظریه ایجاد خطر

با ایراداتی که بر دو نظریه مذکور وارد شده است به نظر می رسد توسل به نظریه ایجاد خطر مبنای معقولی برای توجیه نظام مسوولیت مدنی حوادث

رانندگی باشد. در واقع مقنن فارغ از وجود یا عدم وجود تقصیر، به دنبال حمایت و جبران خسارت کامل شخص ثالث زیان‌دیده می‌باشد و از جهت ایجاد مسوولیت نوعی به نظریه‌ی ایجاد خطر نزدیک شده است. اما می‌دانیم ایجاد مسوولیت مبتنی بر قصد انتفاع، جوهره‌ی ذاتی نظریه ایجاد خطر است که در مورد دارنده همیشه صدق نمی‌کند. توضیح آن که اصطلاح دارنده همیشه بر اصطلاح منتفع منطبق نیست. به‌علاوه با این توجیه چگونه می‌توان از کنار قوه قاهره به‌عنوان تنها معاف‌کننده‌ی دارنده از مسوولیت (در قانون قدیم) گذشت. آیا جز این است که وجود قوه قاهره به دلیل آن که نشان از بی‌تقصیری دارنده می‌باشد استثنا شده است؟ وانگهی قانون‌گذار در برخی موارد در تعارض مسوولیت نوعی و مسوولیت مبتنی بر تقصیر، مسوولیت اخیر را حاکم نموده است.

۲-۱-۴- اماره مسوولیت

به دنبال عدم مقبولیت نظریات ارایه شده، استارک حقوقدان فرانسوی معتقد است باید از اماره مسوولیت یا اماره علیت سخن گفت. (کاتوزیان، جنیدی، غمامی، ۱۳۸۶: ۲۹) به عقیده وی قانون‌گذار با ایجاد نظام خاص مسوولیت مدنی در مورد حوادث نقلیه در واقع مسوولیت و رابطه‌ی علیت را اماره در نظر گرفته است. بنابراین تنها زمانی دارنده از مسوولیت معاف می‌شود که بتواند اثبات کند مسوولیتی نداشته است و به‌عبارت دیگر رابطه‌ی علیت قطع شده است. با وجود این که به نظر می‌رسد چنین مبنایی از قوت بسیاری برخوردار باشد اما به ظاهر این نظر نیز نباید دل بست. زیرا اگر مقصود از اماره مسوولیت همان اماره علیت باشد آنگاه در مواقعی هم که فعل شخص ثالث اثر قوه قاهره داشته و رابطه‌ی علیت را قطع کرده است مانند قوه قاهره مسوولیتی نباید وجود داشته باشد. این در حالی است که قانون‌گذار فورس ماژور را که در قانون بیمه‌ی اجباری سال ۱۳۴۷ اثر معاف‌کننده برای دارنده داشت در ماده‌ی ۷ قانون جدید از عداد موارد استثنا مشمول بیمه خارج نمود. بنابراین استفاده از اماره مسوولیت در حالی که نتوان خلاف این اماره را اثبات نمود، استفاده درستی نخواهد بود.

۲-۱-۵- تضمین حق و استفاده از بیمه

استارک مبدع نظریه تضمین حق، معتقد است در بحث مبانی مسوولیت مدنی نباید تنها به آثار و ارزیابی کار وارد کننده‌ی زیان پرداخت و نقض حق زیان‌دیده و تضمین قانون‌گذار از آن را فراموش کرد. اما سختی تحلیل در آن است که در تراحم میان حق فعالیت کردن عامل زیان و حق ایمن ماندن زیان‌دیده، کدامیک را باید ترجیح داد. وی برای پاسخ به این پرسش کلیدی میان خسارات بدنی و مالی از یک طرف و خسارات معنوی و اقتصادی از طرف دیگر تفاوت قایل است. او معتقد است در دسته نخست قطع نظر از تقصیر عامل ورود زیان در هر حال خسارت باید جبران شود و مسوولیت ناشی از آن نوعی است. چنین ادعایی ممکن است صرفاً در مورد حوادث وسایل نقلیه صحیح باشد. قید صرفاً بدین جهت است که در تمامی موارد نمی‌توان این نظریه را مبنای منحصر مسوولیت دانست.

به هر حال به نظر می‌رسد هدف قانون‌گذار در وضع قوانین مسوولیت حوادث ناشی از وسایل نقلیه، تضمین حق زیان‌دیده باشد. اما با اجباری نمودن بیمه و جمعی نمودن خسارات هم مصلحت عامل زیان در استفاده از وسیله‌ی نقلیه و حق فعالیت و هم حق ایمن بودن زیان‌دیده توأمان در نظر گرفته شده است. در واقع با این شیوه هم عامل زیان حق فعالیت دارد و هم زیان‌دیده ایمن می‌ماند. حق بیمه نیز از تک‌تک اشخاص جامعه گرفته می‌شود و در به اصطلاح صندوقی به اسم شرکت بیمه برای پرداخت خسارات به‌کار گرفته می‌شود. بنابراین اگرچه در ظاهر ممکن است قانون بیش‌تر جانب زیان‌دیده را گرفته باشد و دارنده فاقد تقصیر را مسئول تلقی نماید اما در واقع این بیمه‌گر است که با دریافت اندک حق بیمه‌ای از خیل عظیم افراد جامعه توانسته است خسارات هنگفت زیان‌دیده را جبران نماید. (ملایکه‌پور شوشتری، ۱۳۹۲: ۱۴۵)

نگارنده با استدلال زیر به اطمینان رسیده است که قانون بیمه‌ی اجباری سال ۱۳۸۷ فارغ از وجود یا عدم وجود عنصر تقصیر به دنبال تضمین حق زیان‌دیدگان می‌باشد. توضیح آن که علی‌الاصول زمانی از بیمه‌ی مسوولیت سخن می‌گوییم که مسوولیتی محرز شده باشد. در واقع بیمه به تبع مسوولیت است. اما دقت در قانون

جدید نشان می‌دهد به رغم عنوان بیمه‌ی مسوولیت اما بیمه به تبع مسوولیت نیست. یکی از این موارد پرداخت معادل دیه‌ی مرد به زن است. در این شرایط به رغم این که مسوول حادثه تکلیفی بیش از نصف دیه‌ی مرد ندارد اما شرکت بیمه‌ی دیه‌ی مرد را به وی پرداخت می‌نماید. به طور کلی منشا مسوولیت بیمه‌گر عقد بیمه است نه تقصیر عامل زیان. با همین استدلال است که ماده‌ی اول قانون بیمه‌ی اجباری ۱۳۴۷ ابتدا دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری را مسوول دانسته و سپس مقرر داشته باید مسوولیت خود را بیمه نمایند. اما قانون‌گذار در قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری به عمد سخنی از مسوولیت دارنده به میان نیاورده است. ماده‌ی اول این قانون دارنده را مکلف به اخذ بیمه‌ی وسیله‌ی نقلیه کرده است. تکلیف به بیمه نمودن بدون ذکر مسوولیت نشان از آن دارد که مقنن فارغ از وجود مسوولیت به دنبال تضمین حق زیان‌دیدگان می‌باشد. دو گزینه این ادعا را کامل می‌کند. گزینه‌ی اول این که قانون‌گذار سخن از بیمه وسایل نقلیه‌ی موتوری کرده است. توضیح آن که به نظر قانون‌گذار صرف وجود خسارت به تبع وجود وسیله‌ی نقلیه، بیمه‌گر دارنده را مکلف به جبران خسارت می‌نماید. هدف غایی قانون، تکلیف به بیمه نمودن مسوولیت دارنده یا راننده نیست بلکه به دنبال جبران خسارت شخص ثالث زیان‌دیده است. گزینه‌ی دوم این که همان‌طور که گفته شد فورس ماژور که در قانون بیمه‌ی اجباری سال ۱۳۴۷ برای دارنده اثر معاف‌کننده داشت، در قانون بیمه‌ی اجباری سال ۱۳۸۷ اثر خود را از دست داد. پس در هر صورت گریزی از تکلیف بیمه‌گر دارنده به جبران خسارت زیان‌دیده وجود ندارد. این ادله به خوبی نشان می‌دهد در هر حال خسارت زیان‌دیده در مرتبه‌ی اول اهمیت قرار داشته و باید جبران شود. اما از این نکته هم نباید غافل شد که پایه‌ی اصلی نظامی که قانون‌گذار برای حوادث وسایل نقلیه تعیین کرده است وجود بیمه است. به عبارت دیگر استفاده از نهاد بیمه است که ضرورت احراز مسوولیت را نادیده انگاشته است.

با این ترتیب با دو پرسش مهم مواجه هستیم. اول این که جبران خسارت زیان‌دیده توسط بیمه‌گر در فرضی که مسوولیت دارنده بر اساس مبانی مسوولیت

احراز نگرديده است بر چه منطقی استوار است. دوم این که در مواردی که عمد دارنده محرز است بیمه‌گر بر چه اساسی می‌تواند پس از جبران خسارت زیان‌دیده به دارنده یا عامل زیان مراجعه کند. پاسخ سوال اول پیش‌تر داده شده است. اما برای تکمیل باید گفت تضمین حق زیان‌دیده با استفاده از نهاد بیمه و جمعی کردن خسارات منطق چنین تکلیفی است. در خصوص پرسش دوم نیز باید بگوییم قانون بیمه‌ای اجباری قانونی است در جهت حمایت کامل از حقوق اشخاص ثالث زیان‌دیده، برای همین است که فقط در مورد لزوم جبران خسارت زیان‌دیده سخن می‌گوید. در واقع قانون‌گذار در این قانون در جایگاه حفظ حقوق اشخاص ثالث است. طبیعی است در چنین جایگاهی از مسوولیت دارنده سخن نگوید و مسایل آن را به قوانین دیگری که در این باره وضع کرده است ارجاع نماید. اگر دارنده عامداً موجب ورود زیان شود، مسوول قلمداد گردیده و طبیعی است که در این صورت بیمه‌گر به سان هر دیگر پرداخت‌کننده خسارتی حق مراجعه به دارنده را دارد. به‌علاوه حذف بند ۴ ماده‌ی ۴ قانون بیمه‌ای اجباری که خسارت وارد به متصرفین غیر قانونی وسایل نقلیه یا به رانندگان فاقد گواهینامه را از شمول بیمه خارج می‌نمود، حاکی از آن است که قانون‌گذار در هر حال به دنبال تضمین حق زیان‌دیده از حوادث وسایل نقلیه است.

با همین توجیه است که صندوق تامین خسارت‌های بدنی برای جبران خسارت مواردی مانند فقدان وجود گواهینامه‌ی رانندگی ایجاد شده است. و با این استدلال است که قانون به دنبال حذف نقش رابطه‌ی سببیت می‌باشند. زیرا اگر مسوولیت نه بر اساس تقصیر که حتی بر مبنای رابطه‌ی علیت نیز اگر استوار باشد آن‌گاه هر چیزی که این رابطه را از میان ببرد طبیعتاً باعث معافیت دارنده خواهد شد. پس فعل شخص ثالث نیز دارای تاثیر خواهد بود. به‌نظر می‌رسد آن چه اهمیت دارد تضمین جبران خسارت زیان‌دیده است. در حوادث وسایل نقلیه هیچ عامل معاف‌کننده‌ای نباید وجود داشته باشد و خسارت در هر صورت باید جبران شود. نمی‌توان ترمیم زیان را به بهانه دخالت قوه قاهره یا شخص ثالث معطل گذارد. (کاتوزیان، جنیدی، غمامی، ۱۳۸۶: ۱۵۶)

به نظر می‌رسد قانون بیمه‌ی اجباری جدید به سمت مسوولیت بدون رابطه‌ی سببیت حرکت کرده و حتی مرزهای نظریه‌ی خطر را هم در نوردیده است. بر این اساس چون مبنای پذیرفته شده در حوادث رانندگی با سایر مبانی مسوولیت متفاوت است بنابراین رای صادره از دادگاه کیفری دارای اعتبار امر قضاوت شده در دادگاه مدنی نخواهد بود. نتیجه‌ی دیگر پذیرش این مبنا این است که به صرف دخالت وسیله‌ی نقلیه در حادثه یعنی وجود ارتباط و پیوستگی وسیله‌ی نقلیه و حادثه به گونه‌ای که وسیله‌ی نقلیه به‌طور ضروری و یا بر اثر اتفاق، حادثه را امکان‌پذیر سازد، بدون نیاز به اثبات رابطه‌ی سببیت، بیمه‌گر مکلف به جبران خسارت خواهد بود. البته زیان وارد شده باید قابل انتساب به دارنده باشد.

شناختن حق مراجعه‌ی مستقیم زیان‌دیده به بیمه‌گر که برای اولین بار در قانون بیمه‌ی اجباری ۱۳۸۷ به صورت رسمی و قانونی شناسایی شده است نیز نشان می‌دهد قانون‌گذار چنین حقی را هماهنگ با هدف خود از وضع قانون (تضمین حق زیان‌دیده) قرار داده است.

در این جا مهم است بدانیم که حرکتی که از اروپا و به‌ویژه فرانسه شروع شد و تقصیر را بر مبنای اخلاق معیار مسوولیت قرار داده و پس از چندی به دلیل عدم کارایی در دنیای جدید به سمت نظریات دیگری که در آن‌ها تقصیر نقشی ندارد متحول گردید، در حقوق اسلامی بدون گذر از چنین مراحل از همان ابتدا ارزش ذاتی برای تقصیر در ایجاد مسوولیت وجود نداشته است. همان‌طور که در مفاهیم بیان گردید آنچه در حقوق اسلامی معیار ایجاد مسوولیت قرار گرفته است همانا ورود زیان به اشخاص است نه بررسی عملکرد عامل زیان. همین قدر که عمل موجب زیان را بتوان به فاعل نسبت داد در ایجاد مسوولیت برای وی کافی است. با این برداشت به خوبی معلوم می‌گردد استفاده از تقصیر به‌عنوان مبنای ایجاد مسوولیت مدنی در قوانین ما، تقلیدی کورکورانه و نابجا از حقوق کشورهای دیگر است. البته قانون بیمه‌ی اجباری شخص ثالث از این هم فراتر رفته و حتی رابطه‌ی سببیت را نیز لازم نمی‌داند.

وقتی که قوه قاهره نتواند تکلیف بیمه‌گر به جبران خسارت زیان‌دیده را مرتفع نماید، طبیعتاً فعل شخص ثالث نیز چنین توانی ندارد. لیکن در این شرایط بیمه‌گر پس از جبران خسارت زیان‌دیده به عامل زیان مراجعه می‌کند. تنها استثنا، فعل زیان‌دیده زمانی که علت تامه حادثه است، می‌باشد. این استثنا بر مبنای قاعده اقدام توجیه می‌پذیرد. بنابراین در هر حادثه زیانباری که وسیله‌ی نقلیه در آن وجود داشته باشد، بیمه‌گر مسوول پرداخت خسارت است. تنها اگر زیان‌دیده خود علت تامه‌ی زیان وارده باشد، بیمه‌گر نیز مسوولیتی نخواهد داشت.

۲-۲- مفهوم دارنده

در نظم حقوقی مسوولیت حوادث وسایل نقلیه، صرفاً دارنده (مالک و یا متصرف) مکلف است بیمه‌ی مسوولیت اخذ نماید. البته تکلیف اخذ بیمه توسط دارنده مانع از ایجاد مسوولیت برای مسبب حادثه نمی‌گردد. اصطلاح به‌کار رفته در قانون بیمه‌ی اجباری با عنوان دارنده یکی از مواردی است که بررسی آن گره‌گشای ما در تحلیل ماهیت این بیمه‌ها خواهد بود. به نظر می‌رسد کلمه دارنده ترجمه واژه فرانسوی (Gardien) باشد. این لفظ در لغت به معنای محافظ و نگهدار است که بر اساس معیار دیوان کشور فرانسه به کسی گفته می‌شود که در هنگام حادثه توانایی و تسلط معنوی نسبت به انتفاع از وسیله‌ی نقلیه را داشته باشد. با این برداشت سارق به رغم آن که مالک نیست اما به دلیل سلطه‌ای که بر وسیله‌ی نقلیه دارد مسوول قرار می‌گیرد. اما در نظم حقوقی ما به قرینه‌ی ماده‌ی ۳ قانون قدیم که مقرر می‌داشت: "از تاریخ انتقال وسیله‌ی نقلیه، کلیه تعهدات ناشی از قرارداد بیمه به منتقل‌الیه وسیله‌ی نقلیه منتقل می‌شود..." از دارنده تعبیر به مالک می‌شد. مسوولیت مالک نه به خاطر حق عینی، که به دلیل سلطه‌ی وی بر وسیله‌ی نقلیه است. بر این اساس استثنا سرقت و غصب از مسوولیت دارنده توجیه می‌گردد. زیرا در این موارد به دلیل سلب سلطه نمی‌توان مالک را دارنده و مسوول دانست. بنابراین در این گونه موارد مسوولیت غاصب و سارق در تعهد بیمه‌گر قرار

نمی‌گیرد. با این تعبیر اجاره وسیله‌ی نقلیه موجب سلب سلطه‌ی مالک بر وسیله‌ی گردیده و متعاقباً تکلیف بیمه را بر عهده مستاجر قرار می‌دهد.

اما تبصره‌ی یک ماده‌ی اول قانون جدید در راستای رفع ابهام از مفهوم دارنده مقرر داشته است: «دارنده از نظر این قانون اعم از مالک و یا متصرف وسیله‌ی نقلیه است و هرکدام که بیمه‌نامه موضوع این ماده را تحصیل نماید تکلیف از دیگری ساقط می‌شود». سوالی که با تصویب این مقرر هم‌چنان باقی می‌ماند مصادیق مختلف متصرف است. همان‌طور که می‌دانیم تصرف متصرف می‌تواند قانونی و یا غیرقانونی باشد. در مورد متصرفین غیرقانونی مانند غاصبین باید گفت هرچند به حکم ماده‌ی ۳ تنها منتقل‌الیه از مزایای بیمه بهره‌مند می‌گردد اما با توجه به این که به هر حال غاصب هم متصرف محسوب می‌گردد به‌نظر می‌رسد با توجه به هدف قانون‌گذار از حمایت کامل از زیان‌دیده و با جمع ماده‌ی ۱ و تبصره‌های ۱ و ۲ باید گفت غاصب نیز می‌تواند از بیمه‌نامه‌ی مسوولیت استفاده نماید. البته بیمه‌گر پس از پرداخت خسارت زیان‌دیده، به غاصب به‌عنوان عامل زیان مراجعه می‌کند. در این میان چنانچه دارنده به تکلیف خود در خصوص اخذ بیمه عمل نکرده باشد، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، خسارات بدنی زیان‌دیده را پرداخت کرده و در مرحله‌ی بعد به غاصب مراجعه می‌کند. در توجیه مراجعه بیمه‌گر و یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به غاصب باید گفت، علت ایجاد بیمه‌ی مسوولیت حمایت از اشخاص ثالث بوده است نه غاصبی که شایسته‌ی شدیدترین برخورد است.

۲-۳- مفهوم شخص ثالث

هر شخصی به غیر از بیمه‌گر و بیمه‌گذار که طرفین قرارداد بیمه می‌باشند، شخص ثالث محسوب می‌گردد. در واقع مقصود از اشخاص ثالث، اشخاص خارج از رابطه‌ی قراردادی بیمه می‌باشد. اما قانون بیمه‌ی اجباری سال ۱۳۴۷ بدون توجیه معقولی طی سه بند ماده‌ی ۲ به ترتیب الف- بیمه‌گذار، مالک یا راننده وسیله‌ی نقلیه مسوول حادثه، ب- کارکنان بیمه‌گذار مسوول حادثه حین کار و انجام وظیفه،

ج- همسر و پدر و مادر و اولاد و اجداد تحت تکفل بیمه‌گذار، در صورتی که سرنشین وسیله‌ی نقلیه‌ای باشند که راننده یا بیمه‌گذار مسوول حادثه باشد، را از مصادیق شخص ثالث خارج نموده بود. با این حال قانون‌گذار ۴۰ سال بعد در قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری سال ۱۳۸۷ به استناد تبصره‌ی ۶ ماده‌ی اول صرفاً راننده مسبب حادثه را از مفهوم شخص ثالث خارج نمود. توسیع مفهوم شخص ثالث نشان می‌دهد قانون‌گذار حرکتی را که در سال ۱۳۴۷ به سمت حمایت کامل از اشخاص ثالث زیان‌دیده از حوادث و سایل نقلیه آغاز نموده است همچنان ادامه می‌دهد. بنابراین برخلاف قانون سابق دیگر امتیاز ویژه شخص ثالث مخصوص زیان‌دیدگان بیگانه با دارنده نیست و خویشان و وابستگان وی را نیز در بر می‌گیرد. نکته‌ای که نباید آن را از نظر دور داشت این است که ثالث تلقی نشدن راننده مسبب حادثه، تنها نسبت به بیمه‌نامه‌ی اتومبیلی است که رانندگی آن را به‌عهده داشته است ولی در برابر اتومبیل مقابل، ثالث تلقی می‌شود.

به نظر می‌رسد توسعه مفهوم شخص ثالث اگر چه هزینه‌ی زیادی را بر دوش شرکت‌های بیمه قرار می‌دهد، اما بهره‌مندی افرادی مانند فرزندان، همسر و کارکنان بیمه‌گذار از جبران خسارت به عنوان ثالث، گامی موثر در تحقق اهداف و فلسفه تاسیس بیمه خواهد بود و این اقدام قانون‌گذار قابل تمجید است. تنها انتقادی که به آن وارد است، شمول عنوان ثالث نسبت به مالک اتومبیل است، زیرا با عنوان قانون سازگاری ندارد. اگر شرکت بیمه را شخص اول و بیمه‌گذار (مالک) را شخص دوم قرارداد بدانیم، شخص ثالث سایر افراد خواهند بود و شامل مالک نمی‌شود. فلسفه وجودی این قانون جبران خسارت‌های وارد به غیر از طرفین قرارداد بیمه است، نه مالک که خود یکی از طرفین قرارداد است. شاید هدف قانون‌گذار از توسعه مفهوم ثالث به مالک این بوده که هیچ خسارت ناشی از حوادث رانندگی جبران نشده باقی نماند، حتی در موردی که فرد دیگری غیر از مالک، رانندگی اتومبیل را به عهده دارد و سبب ورود خسارت جانی به مالک شود، با این توجیه که شاید با اعسار راننده مواجه شود.

این که راننده مسبب حادثه مشمول عنوان شخص ثالث نمی‌شود بر این مبنا است که در بیمه‌ی مسوولیت، تکلیف بیمه‌گر تضمین مسوولیت بیمه‌گذار در برابر دیگران است. لیکن با توجه به این که پیش‌تر گفتیم در وضعیت فعلی بیمه تابعی از مسوولیت نیست، بنابراین چه بسا بیمه‌گذار مطابق با قواعد عمومی مسوولیت مدنی، فاقد مسوولیت باشد اما بیمه‌گر مکلف به جبران خسارات باشد. با همین توجیه است که بند ب ماده‌ی ۱۱۵ قانون برنامه‌ی پنج ساله‌ی پنجم توسعه‌ی مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۵ وزارت امور اقتصادی و دارایی را مکلف کرده است در مورد رانندگان نیز همچون سرنشین، بیمه‌ی شخص ثالث را اعمال کنند.

هم‌چنین رانندگان فاقد گواهینامه و متصرفین غیرقانونی نیز مورد حمایت قانون‌گذار قرار گرفته‌اند. علت این حمایت آن است که جبران ضرر زیان‌دیده به سایر تخلفات وی ارتباطی ندارد. بنابراین اگرچه باید با راننده‌ی فاقد گواهینامه به دلیل تخلف وی به جهت نداشتن گواهینامه برخورد کرد اما چنین تخلفی نمی‌تواند مستمسک عدم حمایت از وی گردد.

۲-۴- خسارات قابل مطالبه

در نظم قانون قدیم صرفاً به اصطلاح خسارت مالی و بدنی اشاره شده بود و تعریفی در خود قانون از آن ارایه نگردیده بود. به همین جهت تبیین مفهوم خسارت مالی و بدنی برعهده‌ی آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون قرار گرفت. ماده‌ی ۴ آیین‌نامه‌ی مذکور مقرر می‌داشت: «جبران خسارت مالی عبارت است از تأمین و جبران زیان‌های مستقیمی که در اثر حوادث مشمول بیمه به اموال و اشیا تحت مالکیت یا تصرف قانونی اشخاص ثالث وارد می‌شود». اما قانون اصلاحی سال ۱۳۸۷ خود وظیفه‌ی تعریف مفهوم خسارت مالی و بدنی را برعهده گرفته است. در تبصره‌ی ۴ ماده‌ی ۱ قانون مذکور چنین می‌خوانیم: «منظور از خسارت مالی، زیان‌هایی می‌باشد که به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون به اموال شخص ثالث وارد شود.» ملاحظه می‌شود قانون جدید به درستی و برای مطابقت با ماده‌ی اول قانون به جای جبران خسارت مالی خود خسارت مالی را تعریف کرده

است. هم‌چنین قید "مستقیم" از عبارات قانون جدید حذف گردید. بنابراین هرگونه خسارت چه مستقیم و چه غیرمستقیم باید توسط بیمه‌گر جبران شود. (بابایی، ۱۳۸۸: ۲۱۰) هم‌چنین عبارت «اشیا تحت مالکیت یا تصرف قانونی» نیز در قانون جدید برداشته شد. این تغییر نیز اشکالی را که به قانون قدیم وجود داشت مرتفع نمود. در واقع وجود چنین عبارتی در قانون قدیم این شائبه را در ذهن ایجاد می‌نمود که شاید بتوان خسارت وارد به اموال را به امین اموال داد. در حالی که خسارت فقط باید به مالک مال پرداخت شود.

در مورد جبران خسارت بدنی نیز ماده‌ی ۳ آیین‌نامه‌ی مذکور مقرر می‌داشت: «منظور از جبران خسارت بدنی مذکور در ماده‌ی یک قانون، تامین و جبران هزینه‌ی معالجه صدمات بدنی و یا جرح حاصل از حوادث رانندگی و هم‌چنین جبران زیان‌های نقص عضو از کار افتادگی دایم و مطلق یا نسبی، یا فوت ناشی از حوادث مشمول بیمه برای اشخاص ثالث است». در حالی که در تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۱ قانون اصلاحی می‌خوانیم: «منظور از خسارت بدنی، هر نوع دیه یا ارش ناشی از صدمه، شکستگی، نقص عضو، از کار افتادگی (جزیی یا کلی موقت یا دایم) یا دیه فوت شخص ثالث به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون است. هزینه معالجه نیز چنانچه مشمول قانون دیگری نباشد، جزو تعهدات بیمه موضوع این قانون خواهد بود.» در اینجا نیز قانون‌گذار به جای تعریف جبران خسارت، سخن از زیان به میان آورده است. اما جدای از تفاوت در سبک قانون نویسی، به لحاظ ماهوی نیز قانون‌گذار به صراحت صحبت از دیه و ارش به میان آورده و هزینه‌ی معالجات را نیز در صورتی که مشمول قوانین دیگر نباشد جزو تعهدات بیمه‌گر می‌داند. تغییراتی که قانون‌گذار در قانون جدید اعمال کرده است همگی با هدفی که وی برای وضع این قانون در نظر گرفته است (تضمین حق زیان‌دیده) تطابق دارد.

۲-۵- حوادث وسایل نقلیه

ماده‌ی اول قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری، از اصطلاح "حوادث وسایل نقلیه" استفاده کرده است. تبصره‌ی ۴ ماده‌ی مذکور در تبیین این اصطلاح مقرر می‌دارد: «منظور از حوادث مذکور در این قانون، هرگونه سانحه‌ای از قبیل تصادم، تصادف، سقوط، واژگونی، آتش‌سوزی و یا انفجار وسایل نقلیه موضوع این ماده و نیز خسارتی است که از محمولات وسایل مزبور به اشخاص ثالث وارد شود.» منظور از دو واژه‌ی حادثه و سانحه اتفاقی است که ناگهانی و قهری بوده و به‌علاوه ناشی از علتی خارج از اراده‌ی شخص باشد. با این حال ماده‌ی ۶ قانون مذکور به صراحت بیمه‌گر را مکلف به جبران خسارات زیان‌دیده حوادث عمدی نموده است. طبیعتاً در این موارد، بیمه‌گر در مرحله‌ی بعد برای دریافت مبالغ پرداختی به عامل زیان مراجعه خواهد کرد. به هر حال با توجه به هدف قانون‌گذار از حمایت کامل زیان‌دیده باید گفت مقصود از حادثه‌ی وسایل نقلیه هر حادثه‌ای است که با دخالت یک وسیله‌ی نقلیه اتفاق افتد.

در این خصوص یکی از موضوعات اساسی و مهم، ارتباط و جایگاه ماده‌ی ۴ قانون ایمنی راه‌ها و راه آهن مصوب ۱۳۴۹ با قانون جدید است. در ماده‌ی ۴ قانون مزبور ورود و عبور عابرین پیاده در آزادراه‌ها ممنوع شناخته شده است و در صورت وقوع حادثه منجر به فوت یا جرح یا خسارت مالی، تمام تقصیر را به‌دوش عابر نهاده و راننده مجاز را که وسیله‌ی نقلیه او مجاز به حرکت در آزاد راه بوده، فاقد هرگونه مسوولیتی می‌داند. در ذیل همین ماده اشاره کرده است که عدم مسوولیت راننده‌ی مذکور، مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. اصولاً، شرکت بیمه زمانی باید موظف باشد خسارت وارده به اشخاص ثالث را جبران نماید که بیمه‌گذار مسوول شناخته شود. زیرا، مسوول اصلی جبران خسارت، بیمه‌گذار است و وی از طریق انعقاد قرارداد بیمه، ریسک را به بیمه‌گر منتقل نموده است. اما پیشتر گفتیم در بیمه‌ی مسوولیت حوادث رانندگی چنین نیست. یکی از مواردی که دادگاه‌ها به فقدان مسوولیت راننده حکم می‌دهند، مصادیق ماده‌ی ۴ قانون فوق‌الذکر است و توجیهی که برای مکلف ساختن شرکت

بیمه به پرداخت خسارت شده، این است که اگرچه بیمه‌گذار مقصر شناخته نشده تا بر اساس قرارداد، بیمه‌گر مکلف به پرداخت خسارت باشد، ولی تکلیف بیمه‌گر به پرداخت خسارت منشا قانونی دارد نه قراردادی و هدف از این تکلیف این است که خسارت زیان‌دیدگان حتی الامکان جبران شود و عدم رعایت برخی مقررات از سوی زیان‌دیده، مانع جبران خسارت او نشود.

به این ترتیب، قانون ایمنی راه‌ها که در سال ۱۳۴۹ تصویب شده و در سال ۱۳۷۹ اصلاح گردیده است، در خصوص حوادث واقع در آزادراه‌ها که بین عابر پیاده و وسیله نقلیه مجاز رخ می‌داد، مخصص قانون بیمه اجباری شخص ثالث تلقی می‌گردید و از باب تخصیص عام به وسیله خاص، به آن عمل می‌شد. اما با اصلاح و تغییر اساسی قانون بیمه اجباری شخص ثالث و با توجه به عبارت ماده ۳۰ قانون مذکور که می‌گوید کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو شده است بعید است بتوان هم‌چنان به وجود مفاد ماده ۴ قانون مزبور استناد کرد.

۲-۶- صندوق تامین خسارت‌های بدنی

تعبیه بیمه اثر دور افتادن قواعد مسوولیت مدنی از مبانی اخلاقی را کاهش داده و باعث می‌شود دارنده به خصوص در مواردی که تقصیری مرتکب نشده است بار مسوولیت را کم‌تر احساس کرده و ضمان خود را حکم زور نداند. دارنده به حکم قانون برای استفاده از وسیله نقلیه باید آن را بیمه نماید تا مسوولیت او تضمین شود. تکلیف بیمه‌ی مسوولان حوادث رانندگی، بهترین راه حل تضمین جبران خسارت زیان‌دیدگان این حوادث است. با این حال در برخی موارد از جمله زمانی که وسیله نقلیه موجب حادثه به رغم تکلیف قانونی دارنده، بیمه نشده است، نیاز به یک راه‌حل دیگر داریم. قانون‌گذار صندوق تامین خسارت‌های بدنی را به همین منظور ایجاد کرده است. این صندوق در واقع جانشین بیمه‌گر وسیله نقلیه است که در مواقع استثنایی که خسارت از هیچ طریق دیگری قابل جبران نیست به حمایت زیان‌دیده آمده و خسارت او را جبران می‌سازد. چون این صندوق جانشین

مسوول است از تمامی دفاعیاتی که وی در برابر دعوای زیان‌دیده از آن برخوردار است، سود می‌برد.

ماده‌ی ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری مقرر می‌دارد: «به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضا بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تامین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسوول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به‌طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه (به استثنا موارد مصرح در ماده‌ی ۷) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تامین خسارت‌های بدنی پرداخت خواهد شد.» همین‌طور که ملاحظه می‌شود قانون‌گذار صرفاً خسارت‌های بدنی را توسط صندوق قابل پرداخت می‌داند.

ذکر این نکته ضروری است که علی‌الاصول صندوق درباره‌ی زیان‌های ناشی از حوادث عمدی نباید مسوولیتی داشته باشد. زیرا این زیان‌ها قابل بیمه کردن نیست و صندوق هم که جانشین بیمه‌گر است تکلیفی در جبران این قبیل خسارات ندارد. اما مطابق با ماده‌ی ۶ قانون جدید، بیمه‌گر حتی مکلف به پرداخت خسارات ناشی از عمد راننده هم می‌باشد لیکن در مرحله‌ی بعد می‌تواند به شخصی که موجب حادثه شده است مراجعه نماید.

۳- نظریات پیرامون ماهیت بیمه‌ی اجباری مسوولیت حوادث رانندگی

حال که مبنای مسوولیت دارنده معلوم گردید، تعیین ماهیت بیمه‌ی مسوولیت مدنی سهل‌تر خواهد بود. نظریات مختلفی در این خصوص قابل طرح است. طی سه بند به بررسی این نظریات می‌پردازیم.

۳-۱- بیمه‌ی مسوولیت و نظریه‌ی تعهد به نفع شخص ثالث

برخی معتقدند ماهیت بیمه‌ی مسوولیت، تعهد به نفع شخص ثالث است. به عقیده‌ی اینان، بیمه‌گر به نفع شخص ثالث (زیان‌دیده) متعهد شده است در صورت

ورود خسارت به وی از ناحیه‌ی بیمه‌گذار، جبران خسارت نماید. برای آن‌که بتوانیم در مورد این عقیده اظهار نظر نماییم باید نظریه تعهد به نفع شخص ثالث را بررسی نماییم. این بررسی را در سه قسمت پی می‌گیریم. در قسمت اول مفهوم و مبانی نظریه‌ی تعهد به نفع شخص ثالث را بررسی می‌کنیم، در ادامه در قسمت دوم آثار تعهد به نفع شخص ثالث و سپس توجیه ماهیت حقوقی بیمه‌ی مسوولیت مدنی بر مبنای تعهد به نفع شخص ثالث را در قسمت سوم مطرح می‌نماییم.

۳-۱-۱- مفهوم و مبانی نظریه‌ی تعهد به نفع شخص ثالث

ریشه‌ی این اصل را در حقوق روم یافته‌اند. حقوق‌دانان رومی معتقد بودند که قرارداد نمی‌تواند حقی را برای غیر ایجاد نماید. آنان در پابندی به این قاعده آن قدر اصرار داشتند که حتی نیابت و وکالت در انعقاد عقود را نیز قبول نداشته و آن را بی‌اثر می‌دانستند. (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۲۰)

در حقوق جدید در مبانی تعهد به نفع شخص ثالث و توجیه این که چگونه به موجب قراردادی، حقی برای شخصی که طرف قرارداد نبوده است ایجاد می‌شود نظریه‌های مختلفی ابراز شده است که مهم‌ترین آن‌ها سه نظریه زیر می‌باشد:

۳-۱-۱-۱- دکترین پیشنهاد

قدیمی‌ترین نظریه‌ای که برای توجیه حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث اظهار گردیده است، نظریه‌ی پیشنهاد است که مبتنی بر انتقال طلب می‌باشد. این نظریه در قرن نوزدهم توسط لوران حقوق‌دان بلژیکی مطرح شد و در فرانسه نیز دمولمب و دیگران آن را تایید کردند. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳۸۷) به موجب این نظریه در قراردادی که در آن تعهدی به نفع شخص ثالث می‌شود، نخست حق به نفع طرف قرارداد (مشروطه) ایجاد می‌شود و سپس او استفاده و بهره‌گیری از مزایای شرط را به شخص ثالث پیشنهاد می‌کند و حق در صورتی و از زمانی برای شخص مزبور ایجاد می‌گردد که آن را قبول نماید. نتیجه‌ی این نظریه آن است که به موجب آن، شخص ثالث مستقیماً ذی‌حق قرار نمی‌گیرد و حق حاصل از شرط، نخست وارد

دارایی شرط کننده می‌شود و از زمان موافقت شخص ثالث به وی تعلق می‌گیرد. این نظریه به نوعی با اصل نسبی بودن قرارداد قابل توجیه است. (حسینی طرقی، ۱۳۸۲: ۴).

به رغم مزیت این نظریه از لحاظ تطابق آن با اصل نسبی بودن قراردادها، اما دو ایراد عمده به آن وارد است. اولاً خلاف نص ماده‌ی ۲۳۱ ق.م که تعهد به نفع شخص ثالث را استثنایی بر اصل معرفی می‌کند، ثانیاً با مفاد تراضی طرفین در تعارض است، زیرا تراضی طرفین بر این بوده که تعهد با انعقاد قرارداد و بدون نیاز به هیچ عامل دیگری، به نفع شخص ثالث تعهد ایجاد کنند.

به هر حال چنانچه مبنای نهاد تعهد به نفع شخص ثالث را نظریه پیشنهاد بدانیم، در توجیه ماهیت بیمه‌ی مسوولیت با اشکال روبرو خواهیم شد. زیرا به طور مثال در بیمه‌ی مسوولیت وسایل نقلیه، چنانچه راننده‌ی بیمه‌گذار در حادثه رانندگی قبل از قبول شخص ثالث فوت شود، طلبکاران شرط‌کننده می‌توانند مورد شرط را توقیف نمایند و تعهد جزو ترکه متوفی و متعلق حق طلبکاران قرار می‌گیرد و آنان می‌توانند از آن استیفا طلب خود را بنمایند.

۳-۱-۱-۲- دکرین معامله فضولی

ظاهراً این نظریه ابتدا توسط پوتیه حقوق‌دان فرانسوی ابراز شده است. (محقق داماد، ۲۱:۷۵) به موجب این نظریه، تعهد به نفع شخص ثالث یک معامله‌ی فضولی است که توسط شرط‌کننده از سوی شخص ثالث انجام گرفته است. چنانچه شخص ثالث عمل مزبور را قبول نماید، عمل شرط‌کننده به وکالت تبدیل می‌شود و گویی به حساب او و به نمایندگی از وی انجام یافته است و در حقیقت متعهدله واقعی، همان شخص ثالث بوده که به نام او قرارداد واقع شده است. این نظریه به شکل اداره مال غیر (موضوع ماده‌ی ۳۰۶ قانون مدنی) نیز بیان شده است.

ایرادات عمده‌ای که به این نظریه وارد است یکی این که شرط‌کننده در این‌گونه اعمال حقوقی، شخصاً و اصالتاً خود طرف قرارداد است و به حساب خود عمل می‌کند نه به حساب دیگران و به نمایندگی از طرف آنان. دیگر آن که شخص

فضولی نمی‌تواند قراردادی را که منعقد نموده برهم زند، مگر به‌عنوان فضولی و حال آن‌که در قرارداد بیمه، بیمه‌گذار می‌تواند مستقلاً آن را منحل نماید. (امامی، ۱۳۶۲: ۲۵۶) با وجود این ایرادات از این نظریه هم نمی‌توان برای توجیه ماهیت بیمه‌ی مسولیت استفاده کرد.

۳-۱-۱-۳- نظریه‌های مبتنی بر ایجاد مستقیم حق

برخلاف دو نظریه‌ی قبلی که درصدد توجیه تعهد به نفع شخص ثالث بر مبنای اصل اثر نسبی قرارداد بودند، در این نظریه، نهاد تعهد به نفع شخص ثالث به‌عنوان استثنا بر اصل اثر نسبی قرارداد معرفی می‌گردد. در این خصوص دو نظریه‌ی عمده وجود دارد.

۳-۱-۱-۳-۱- نظریه‌ی اعلام یک طرفه‌ی اراده (ایقاع)

بعضی از حقوق‌دان‌های غربی معتقدند که تعهد به نفع شخص ثالث از موارد تعهد یک طرفی (ایقاع) است، بنابراین نیازی به قبولی شخص ثالث نیست. شاید از این جهت که این نظریه با قواعد حقوقی ما مشعر به عدم نیاز به اخذ قبولی شخص ثالث سازگار است، از قوت بیشتری برخوردار باشد. اما ایرادی که به این نظریه گرفته‌اند این است که در مساله مورد نزاع، اراده‌ی یک‌جانبه شخص نیست که ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث نموده است، بلکه این تعهد ناشی از توافق اراده دو طرف قرارداد است.

۳-۱-۱-۳-۲- نظریه‌ی ایجاد استثنایی حق به سود ثالث

تحلیل حقوقی این نظریه آن است که قراردادی که میان متعاملین منعقد می‌گردد و در آن یکی از طرفین تعهدی به نفع شخص ثالث می‌نماید، مستقیماً به نفع شخص مزبور ایجاد تعهد می‌شود، بدون آن که احتیاج به قبول و موافقت او داشته باشد. یعنی شخص ثالث بدون آن که مداخله در قرارداد کند، متعهدله قرار می‌گیرد و می‌تواند از قرارداد منتفع شود و از این رهگذر می‌تواند در دادگاه علیه متعهد

اقامه دعوی کند. آن چه در این نظریه اهمیت بیش‌تری دارد، این است که حق یا منفعت بدون آن که وارد ملکیت شرط‌کننده شود، مستقیماً به نفع شخص ثالث ایجاد می‌شود تا از این طریق حق شخص ثالث از ادعاهای بستانکاران و ورثه شرط‌کننده مصون بماند. مطابق این نظریه، تعهد به نفع شخص ثالث، استثناً بر اصل اثر نسبی قرارداد است.

۳-۱-۲- توجیه ماهیت حقوقی بیمه‌ی مسوولیت مدنی بر مبنای تعهد به نفع شخص ثالث
 برخی صاحب‌نظران معتقدند تاریخ طرح و تحول نهاد «تعهد به سود ثالث» به خوبی نشان می‌دهد که انگیزه رشد آن در حقوق جدید، نیاز جامعه به قرارداد بیمه بوده است. به عقیده اینان در واقع عقد بیمه‌ی وسیله‌ی فنی تعهد به سود ثالث را در پناه و استخدام خود گرفته است. آن چه در این عقد می‌گذرد بر طبق قواعد عمومی است. مطابق با نظر این گروه، مهم‌ترین مورد استفاده از نهاد «تعهد به سود ثالث» انواع بیمه‌هایی است که در آن‌ها ذی‌نفع حق بیمه، شخص ثالث است. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳۷۴) به عقیده‌ی صاحب‌نظران مذکور، در تعهد به نفع شخص ثالث، سودی که به شخص ثالث می‌رسد باید هدف قرارداد باشد نه اثر ساده آن. در قرارداد بیمه‌ی مسوولیت مدنی نیز، هدف از قرارداد، ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث است، لذا قرارداد بیمه‌ی مسوولیت مدنی بر پایه‌ی نهاد تعهد به نفع شخص ثالث توجیه می‌پذیرد.

در تعهد به نفع شخص ثالث، چون منشا تعهد میان طرفین قرارداد می‌باشد و متعهد در برابر مشروطه انجام کار یا دادن مالی را به شخص ثالث به‌عهده می‌گیرد، لذا مشروط له می‌تواند اجرای تعهد را از متعهد بخواهد. در واقع مشروط له در کنار شخص ثالث منتفع می‌باشد. در قرارداد بیمه نیز بیمه‌گذار می‌تواند پرداخت خسارت شخص ثالث را از شرکت بیمه‌گر بخواهد. در این حالت نفع بیمه‌گذار انکارناپذیر است. در صورت عدم پرداخت خسارت شخص ثالث متضرر توسط شرکت بیمه، بیمه‌گذار خود باید خسارت وارده را بپردازد، چرا که در واقع مدیون اصلی، شخص بیمه‌گذار است. در این صورت چنانچه بیمه‌گر از پرداخت خسارت

شخص ثالث ممانعت نماید و تعهد قراردادی خود را اجرا ننماید، بیمه‌گذار می‌تواند یکی از موارد زیر را انجام دهد:

. در شرایطی که حق بیمه به صورت اقساطی پرداخت می‌گردد، به عنوان استفاده از حق حبس، اقساط حق بیمه را پرداخت ننماید.

. مشروطه می‌تواند خسارت وارد به خود ناشی از عدم انجام تعهد را از ملتزم بخواهد.

هرچند چنین اظهار شده است که بیمه‌های مسولیت دو هدف عمده حمایت از دارایی شخص مسوول و حمایت از ثالث زیان‌دیده را پیگیری می‌نمایند اما با گذر زمان دومین هدف، غالب گردیده است. از همین رو بسیاری از انواع بیمه‌ها اجباری گشته است. به عنوان مثال در فرانسه در خارج از قلمرو تامین اجتماعی در بیش از ۹۰٪ موارد، بیمه‌ی اجباری وجود دارد که بیش از ۸۰٪ از آن‌ها بیمه‌های اجباری مسولیت مدنی است.

شاید عمده دلیل معتقدان به نظریه تعهد به نفع شخص ثالث به عنوان مبنای بیمه مسولیت، این باشد که در بیمه‌های اجباری مسولیت و به ویژه بیمه‌ی مسولیت وسایل نقلیه، در بسیاری از کشورها به دلیل لزوم حمایت از زیان‌دیده، بیمه‌گر را حتی در صورتی که بیمه‌گذار به عمد حادثه را ایجاد کرده باشد، مکلف به جبران خسارت شخص ثالث زیان‌دیده دانسته‌اند. اما چون تقصیر عمدی خارج از قلمرو بیمه‌ی مسولیت است، در مرحله‌ی بعد به بیمه‌گر حق رجوع به بیمه‌گذار را اعطا نموده‌اند. لذا به نظر می‌رسد هدف عمده بیمه‌های مسولیت، حداقل در بیمه‌های اجباری مسولیت، حمایت از اشخاص ثالث زیان‌دیده باشد. توسعه محدودی اشخاص ثالث در قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری وسایل نقلیه‌ی موتوری زمینی در برابر اشخاص ثالث که به موجب آن تنها استثنا شخص ثالث، راننده مسبب حادثه است نیز مویدی دیگر است.

هم‌چنین در اغلب کشورها، بیمه‌ی مسولیت در فرض تقصیر سنگین معتبر است. این در حالی است که در همان کشورها، در فرض شرط عدم مسولیت، تقصیر سنگین در حکم عمد قرار گرفته و به آن ملحق می‌گردد. در نتیجه شرط

عدم مسوولیت در صورت تقصیر سنگین هم باطل است. یکی از مهم‌ترین دلایل این تفاوت، حمایت از حقوق زیان‌دیدگان و تضمین جبران خسارت آن‌ها است. اندیشه حمایت از حقوق زیان‌دیده حکم می‌کند که شرط عدم مسوولیت در فرض تقصیر سنگین باطل باشد و برعکس بیمه‌ی مسوولیت در همین فرض صحیح انگاشته شود. اگر نظم عمومی مجوز بطلان باشد، قضاوت نظم عمومی در این دو زمینه که به دو نتیجه‌ی متفاوت منجر می‌گردد، یکسان نیست. از نظر منطقی نیز تقصیر سنگین در حکم عمد است و ضرورتی ندارد که تمام اوصاف و عوارض عمد را داشته باشد.

در کامن‌لا، بیمه‌ی مسوولیت در فرض تقصیر سنگین معتبر است و مخالف نظم عمومی شناخته نمی‌شود. در حقوق ایران نیز تنها تقصیر عمدی استثنا شده است. حمایت از زیان‌دیدگان مستلزم نافذ دانستن بیمه‌ی مسوولیت در فرض تقصیر سنگین است.

۳-۱-۳- ایرادات وارد بر توجیه ماهیت حقوقی بیمه‌ی مسوولیت بر مبنای نظریه‌ی تعهد به نفع شخص ثالث

هرچند ممکن است در بررسی‌های اولیه به این نتیجه رسید که ماهیت حقوقی بیمه‌ی مسوولیت بر مبنای نظریه تعهد به نفع شخص ثالث استوار است، اما بررسی عمیق و همه‌جانبه موضوع حاکی از آن است که ایرادات متعددی بر توجیه حقوقی بیمه‌ی مسوولیت بر مبنای نظریه‌ی تعهد به نفع شخص ثالث وارد شده است. برخی از مهم‌ترین این ایرادات بیان می‌شود.

۳-۱-۳-۱- تعهد به نفع شخص ثالث نیاز به یک پایه‌ی قراردادی دارد

لازمه‌ی تعهد به نفع شخص ثالث، قراردادی است که متضمن یک تعهد فرعی است. به همین دلیل است که در حقوق رم از اصطلاح *stipulation pour autrui* استفاده می‌کنند و واژه *stipulation* یعنی شرط، بیان‌گر این نکته است که در حقوق رم نیز تعهد به نفع شخص ثالث به صورت شرط ضمن عقد بوده است.

این که بتوان یک جانبه‌ی تعهدی به نفع شخص ثالث نمود مورد اختلاف است. نمی‌توان بیمه‌ی مسوولیت را تعهد به نفع ثالث دانست زیرا در این بیمه، موضوع قرارداد، تعهد به نفع ثالث است نه آن که تعهد به نفع ثالث به تبع یک قرارداد پایه باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳۷۵) بنابراین از آنجا که در عقد بیمه‌ی مسوولیت، تعهد به نفع ثالث اصل قرارداد است و نه یک تعهد فرعی جداگانه و ضمن عقد، لذا نمی‌توان ماهیت عقد بیمه‌ی مسوولیت را بر مبنای نظریه‌ی تعهد به نفع شخص ثالث توجیه نمود.

۳-۱-۳-۲- هدف از نهاد تعهد به نفع شخص ثالث احسان به ثالث است

مطابق با گفته نویسندگان حقوقی، هدف از نهاد تعهد به نفع شخص ثالث، احسان به شخص ثالث است. به همین جهت است که هیچ نظام حقوقی اجازه نمی‌دهد ضمن یک قرارداد، تعهدی برعهده شخص ثالث ایجاد نمود. ملاحظه‌ی عقد بیمه نشان می‌دهد در این عقد، احسان موضوعیتی ندارد. در عقد بیمه‌ی مسوولیت، بیمه‌گذار دین خود به ثالث متضرر را از طریق بیمه‌گر و عقد بیمه می‌پردازد. به عبارت دیگر آنچه که عاید شخص ثالث زیان‌دیده می‌شود، طلب ناشی از ورود خسارت به وی، برعهده بیمه‌گذار می‌باشد. هرچند وجود بیمه، خاطر شخص ثالث زیان‌دیده را از مواجهه با خطراتی نظیر اعسار بیمه‌گذار آسوده می‌نماید اما نمی‌توان از این ایجاد آسودگی که به نفع شخص ثالث صورت می‌گیرد تعبیر به احسان نمود.

۳-۱-۳-۳- شخص ثالث منتفع از تعهد در برابر متعهد، حقی خاص و مستقیم ندارد

در نهاد تعهد به نفع شخص ثالث، شخص ثالث منتفع از تعهد در برابر متعهد، حقی خاص و مستقیم ندارد و نمی‌تواند به او رجوع کند. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳۷۷) بنا به همین قاعده چنانچه متعهد قرارداد اصلی از ایفای تعهد خود در برابر شخص ثالث منتفع خودداری نماید، شخص ثالث مذکور نمی‌تواند برای مطالبه تعهد، طرح دعوا نماید. این در حالی است که در عقد بیمه‌ی مسوولیت، شخص ثالث زیان‌دیده

می‌تواند برای دریافت خسارت وارده به خود از ناحیه‌ی بیمه‌گذار، مستقیماً به شرکت بیمه مراجعه نماید. لذا در عقد بیمه برخلاف نهاد تعهد به نفع شخص ثالث، شخص ثالث می‌تواند مستقیماً به متعهد عقد بیمه مراجعه نموده و احقاق حق نماید.

البته در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت اصل در بیمه‌ی مسوولیت بر عدم حق مراجعه‌ی مستقیم شخص ثالث زیان‌دیده به بیمه‌گر است. در مواردی که شاهد وجود این حق هستیم، در واقع با موارد استثنا مواجه می‌باشیم. دلیل این امر این است که در بیمه‌ی مسوولیت، بیمه‌گر در برابر بیمه‌گذار مسوول است، نه در برابر شخص ثالث زیان‌دیده. (بهاء‌الدین مسعود، ۲۰۰۸: ۲۲)

۳-۱-۳-۴-در نهاد تعهد به نفع شخص ثالث ذی‌نفع قرارداد باید معین باشد

یکی از اصول نهاد تعهد به نفع شخص ثالث این است که ذی‌نفع قرارداد (شخص ثالث منتفع) هنگام انعقاد قرارداد، لزوماً باید معین باشد. در حالی که با دقت در عقد بیمه‌ی مسوولیت به‌خوبی مبرهن است که اساساً شخص ثالث متضرر که قرار است منتفع از عقد بیمه باشد، از پیش معین نیست. به‌طور کلی در عقد بیمه‌ی مسوولیت، شخصیت ثالث زیان‌دیده فاقد اهمیت است. این قاعده هم به لحاظ کیفی و هم به لحاظ کمی حکم فرماست. توضیح آن که نه تنها شخصیت و هویت شخص ثالث زیان‌دیده اهمیتی برای شرکت بیمه ندارد، بلکه جز در مواردی که تعداد اشخاص ثالث در بیمه‌نامه محدود شده است، در اغلب موارد تعداد اشخاص ثالث نیز فاقد اهمیت است.

۳-۱-۳-۵-عدم محرومیت شخص ثالث زیان‌دیده از مراجعه به بیمه‌گذار

به حکم اصل اثر نسبی قرارداد، عقد بیمه‌ی منعقد شده میان بیمه‌گذار و بیمه‌گر نمی‌تواند مانع رجوع شخص ثالث زیان‌دیده برای اخذ خسارت از بیمه‌گذار شود. (ایزانلو، ۱۳۸۶: ۹۰) این در حالی است که در نهاد تعهد به نفع شخص ثالث، شخص ثالث حق رجوع به متعهدله را ندارد.

۳-۲- تعهد به پرداخت خسارات متناسب به بیمه‌گذار

با ایرادهای فراوانی که به توجیه ماهیت حقوقی بیمه‌ی مسوولیت بر مبنای نهاد تعهد به نفع شخص ثالث وارد گردید، به نظر می‌رسد لازم است ماهیت حقوقی بیمه‌ی مسوولیت را بر مبنایی دیگر استوار نمود. یکی از این مبانی منطقی، پرداخت خسارات متناسب به بیمه‌گذار است. در واقع طبق این نظریه هر چند شخص ثالث زیان‌دیده نیز به نحوی از رهگذر انعقاد قرارداد بیمه‌ی منتفع می‌گردد، اما انتفاع شخص ثالث از توابع و آثار عقد بیمه‌ی مسوولیت است، نه آن که ماهیت آن محسوب گردد.

با استفاده از تحلیلی که پیشتر از مفاد تعهد طرفین عقد بیمه‌ی مسوولیت ارایه شد مبنی بر این که تعهد بیمه‌گر ایجاد امنیت و تامین برای بیمه‌گذار است و این که بیمه‌گذار در واقع متاع تامین می‌خرد، به خوبی مشخص است که ماهیت قرارداد بیمه هر چند از قبل آن شخص ثالث منتفع گردد اما نمی‌تواند تعهد به نفع ثالث محسوب شود. هدف بیمه‌گذار از انعقاد عقد بیمه، ایجاد تضمینی برای حفظ تعادل دارایی خویش است. به عبارت دیگر شاید با اندکی مسامحه بتوان ادعا کرد، به نوعی بیمه‌گر ضامن حفظ تعادل دارایی بیمه‌گذار و پرداخت خسارت ناشی از مسوولیت وی قرار گرفته است.

به علاوه چنانچه ماهیت بیمه‌ی مسوولیت را تعهد به نفع شخص ثالث بدانیم، در واقع به این معنا خواهد بود که این نوع بیمه جزو بیمه‌نامه‌های اشخاص بوده و از قواعد خاص آن متابعت می‌کند. گویی بیمه‌گذار اقدام به خرید بیمه‌ی حوادث برای شخص ثالث نموده است. در صورتی که به نظر می‌رسد در بیمه‌ی مسوولیت، بیمه‌گر جبران خسارت اشخاص ثالث را تعهد نمی‌کند، بلکه بدهی احتمالی بیمه‌گذار را در مقابل اشخاص ثالث که مسوول شناخته می‌شود و باید از اموال و دارایی خود بپردازد، تعهد می‌کند. شاید با همین توجیه است که برخی (کریمی، ۱۳۸۶: ۳۳۴) معتقدند بیمه‌ی مسوولیت جزو بیمه‌های اموال محسوب می‌شود.

این که ماهیت بیمه‌ی مسوولیت، تضمین حفظ تعادل دارایی بیمه‌گذار است به این معنا است که به محض اثبات مسوولیت بیمه‌گذار و به جهت لزوم پرداخت

خسارت شخص ثالث زیان دیده و تعلق دین ناشی از آن بر ذمه‌ی بیمه‌گذار، تعادل دارایی وی به هم خورده و جنبه‌ی منفی آن افزایش می‌یابد. بیمه‌گذار برای جلوگیری از برهم خوردن احتمالی تعادل دارایی خویش، اقدام به انعقاد عقد بیمه با شرکت بیمه می‌نماید. مطابق این قرارداد، شرکت بیمه به‌عنوان بیمه‌گر متعهد می‌گردد در صورت برهم خوردن تعادل دارایی بیمه‌گذار بر اثر مسوولیت وی در برابر شخص ثالث، با پرداخت دین مذکور تعادل از دست رفته را به دارایی بیمه‌گذار بازگرداند.

تعهد بیمه‌گر در حفظ تعادل دارایی بیمه‌گذار شباهت بسیاری به ضمان دارد. این شباهت در آن است که در هر دو ضامن، پرداخت دین مضمون عنه را ضمانت می‌کند. ماده‌ی ۶۸۴ قانون مدنی در تعریف عقد ضمان مقرر می‌دارد: «عقد ضمان عبارت است از این که شخصی مالی را که بر ذمه‌ی دیگری است به عهده گیرد.» با ملاحظه تعریف مذکور می‌توان به این نتیجه رسید که ماهیت عقد بیمه‌ی مسوولیت همان ضمان است. چرا که بیمه‌گر ضامن پرداخت دینی شده که بر عهده بیمه‌گذار تعلق گرفته است.

در صورتی که ماهیت حقوقی بیمه‌ی مسوولیت را بر مبنای ضمان توجیه کنیم آن‌گاه، بیمه‌ی مسوولیت مدنی به این صورت تعریف می‌شود که: "قراردادی است که به موجب آن، بیمه‌گر در برابر حق بیمه تعهد می‌کند، در صورت تحقق مسوولیت بیمه‌گذار، خسارت وارد از سوی او یا خسارت وارد بر او را جبران سازد." (کاتوزیان، ایزانلو، ۱۳۸۷: ۴) وفق این تعریف، بیمه‌گر در برابر شخص ثالث متعهد نمی‌باشد. بیمه‌گر قصد ندارد در قبال پرداخت حق بیمه، خود را در برابر شخص ثالث متعهد نماید. به عبارت دیگر دو طرف (بیمه‌گذار و بیمه‌گر)، قصد متعهد کردن بیمه‌گر در برابر شخص ثالث و انتفاع ثالث را، جز در موارد استثنایی ندارند.

به محض تحقق مسوولیت بیمه‌گذار، دیون منفی او افزایش می‌یابد؛ منتهی جبران دارایی و برگشت آن به حالت سابق، بر مبنای قرارداد بیمه، از راه حذف دین مسوولیت و التزام بیمه‌گر به جبران خسارت زیان دیده صورت می‌گیرد. بنابراین

تحلیل حق زیان‌دیده در برابر بیمه‌گر به «تعهد به نفع ثالث» درست نیست؛ زیرا بیمه‌گر در عقد بیمه قصد متعهد شدن در برابر اشخاص ثالث را ندارد. لذا هرچند زیان‌دیده از رهگذر انعقاد این قرارداد به گونه‌ای منتفع می‌شود، ولی طرف مستقیم تعهد نیست.

با وجود آن که حق شخص ثالث زیان‌دیده در برابر بیمه‌گر، ناشی از شرط ضمنی یا صریحی است که در قرارداد بیمه به نفع او شده است و از این جهت این تعهد را به نهاد تعهد به نفع شخص ثالث نزدیک می‌کند، اما از نگاه دیگر عنایت به هدف بیمه‌ی مسوولیت به خوبی بیان‌گر این مطلب است که هدف اولیه بیمه‌های مسوولیت، حمایت از دارایی شخص مسوول (بیمه‌گذار) است. لذا پیش از این که حمایت از اشخاص ثالث زیان‌دیده مطرح باشد، حمایت از دارایی شخص مسوول مطمح نظر است.

با وجود این، دقت بیش‌تر نشان می‌دهد توجیه ماهیت حقوقی بیمه‌ی مسوولیت بر مبنای ضمان با دشواری‌هایی روبه‌رو است. اولاً در ضمان، مضمون‌له معلوم و معین است و او است که طرف عقد ضمان با ضامن قرار می‌گیرد. در حالی که در بیمه‌ی مسوولیت، شخص ثالث زیان‌دیده تا قبل از ورود خسارت معین نیست. البته اگر با نگاهی انتزاعی به موضوع توجه کنیم، مضمون‌له افراد جامعه هستند که اجمالاً قابل تعیین می‌باشند. ثانیاً مطابق ماده‌ی ۶۸۵ قانون مدنی رضای مدیون اصلی شرط نیست در حالی که در بیمه‌ی مسوولیت، بیمه‌گذار طرف قرارداد است و بدون قصد وی اساساً قرارداد منعقد نمی‌گردد. ثالثاً برابر با ماده‌ی ۶۹۱ قانون مدنی ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است باطل است، بنابراین بیمه‌گر نمی‌تواند ضامن پرداخت دین بیمه‌گذار که هنوز سبب آن ایجاد نشده است، بشود. در خاتمه ذکر این نکته خالی از فایده نخواهد بود که برخی نویسندگان که ماهیت بیمه‌ی مسوولیت را تعهد به نفع شخص ثالث نمی‌دانند با استناد به ماده‌ی ۲۹ قانون بیمه که مقرر می‌دارد «در مورد بیمه مال منقول در صورت وقوع حادثه و پرداخت خسارت به بیمه‌گذار، بیمه‌گر از هرگونه مسوولیت در برابر ثالث بری می‌شود» دعوای ثالث علیه بیمه‌گر را دعوای مستقیم پنداشته و می‌نویسند «از این

ماده دو مطلب را باید به دست آورد، اول در مورد اموال غیرمنقول، اولاً بیمه‌گر حق ندارد مبلغ خسارت را به بیمه‌گذار بپردازد (مفهوم مخالف ماده‌ی ۲۹)، ثانیاً ثالث متضرر حق طرح دعوی مستقیم ضرر و زیان را علیه بیمه‌گر در حد مبلغ خسارت دارد، دوم در مورد اموال منقول به موجب ماده‌ی ۲۹، ثالث زیان‌دیده قبل از این که بیمه‌گر بابت جبران زیان تعهد خود را در برابر بیمه‌گذار انجام دهد (یعنی مبلغ بیمه را به او بدهد) ثالث زیان‌دیده حق دارد علیه بیمه‌گر، طرح دعوی ضرر و زیان کند (دعوی مستقیم) و از دادگاه بخواهد که دستور موقت بر منع پرداخت مبلغ خسارت به بیمه‌گذار صادر نماید.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷: ۶۷۴).

۳-۳- ماهیت دوگانه

به نظر می‌رسد باید از آن افراط و این تفریط پرهیز کرد و به جای تعیین ماهیت بیمه‌ی مسوولیت ذیل عنوان تعهد به نفع ثالث و یا پرداخت خسارت متناسب به بیمه‌گذار (ضمان)، راه میانه را در پیش گرفت. تحلیل دقیق و واقع‌گرایانه بیمه‌ی مسوولیت، نشان می‌دهد ماهیت این بیمه‌گاه پرداخت خسارات متناسب به بیمه‌گذار است و گاه ماهیت مستقل دارد.

شاید در ابتدا منطق این ادعا، مبهم به نظر آید، اما باید دقت کرد که حاصل مفاد تراضی طرفین در وهله‌ی اول پرداخت دیون بیمه‌گذار و برگرداندن تعادل از دست رفته به دارایی اوست که از این رهگذر، شخص ثالث زیان‌دیده نیز منتفع می‌گردد. در واقع هدف اولیه جبران خسارت بیمه‌گذار است. نباید از یاد برد که بیمه‌گر اگر خسارت زیان‌دیده را می‌پردازد در واقع به طرفیت بیمه‌گذار چنین کرده است. پس ابتدا باید ذمه‌ی بیمه‌گذار مشغول گردد سپس با مطالبه‌ی زیان‌دیده، بیمه‌گر جبران خسارت نماید. کسر فرانشیز به خوبی نشان می‌دهد که مدیون واقعی بیمه‌گذار است نه شرکت بیمه.

با این حال به نظر می‌رسد در مواردی که به حکم قانون، اخذ بیمه‌ی اجباری است، بیش‌تر حمایت از اشخاص ثالث زیان‌دیده مدنظر قانون‌گذار بوده و تقویت گردیده است. چرا که در بیمه‌های اجباری مسوولیت، حتی در مواردی که بیمه‌گذار

عامدا باعث ورود خسارت به شخص ثالث شده باشد باز هم بیمه‌گر مکلف به جبران خسارت شخص ثالث است. البته با این توضیح که در مرحله‌ی بعد برای گرفتن مطالبه‌ی پرداختی به بیمه‌گذار مراجعه می‌کند. طبیعت این بیمه‌نامه‌ها نشان می‌دهد بیش از آن که حفظ تعادل دارایی بیمه‌گذار مدنظر باشد، تامین خسارت شخص ثالث زیان‌دیده مقصود است. البته جبران خسارت وارده به اشخاص ثالث، لزوماً به این معنا نیست که ماهیت قرارداد بیمه‌ی مسوولیت تعهد به نفع شخص ثالث است.

آنچه ما را به سمت این نتیجه رهنمون می‌سازد، استناد به متن ماده‌ی ۶ قانون بیمه‌ی اجباری مسوولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری است که مقرر می‌دارد «بیمه‌گر ملزم به جبران کلیه‌ی خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهد بود». ماده‌ی مذکور به اشخاص ثالث حق مراجعه به بیمه‌گر را داده است. به نظر می‌رسد نمی‌توان از این ماده جهت اثبات ماهیت بیمه‌ی مسوولیت مبتنی بر نظریه‌ی تعهد به نفع ثالث بهره برد. زیرا پذیرش آن بدین معنا خواهد بود که اگر طرفین قرارداد بیمه بخواهند می‌توانند حق مراجعه مستقیم ثالث زیان‌دیده به بیمه‌گر را از وی سلب نمایند. این در حالی است که چنین توافقی خلاف قانون بوده و بلا اثر است.

بنابراین حکم ماده‌ی ۶ صرفاً اشاره به دعوای مستقیم دارد. توضیح آن که مهم‌ترین تفاوت نهاد تعهد به نفع شخص ثالث و دعوای مستقیم در این است که در اولی، حق مراجعه مستقیم ناشی از اراده طرفین است اما در دومی این حق از حکم قانون ناشی می‌شود. (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۵) پس نمی‌توان از شناخت حق مراجعه مستقیم ثالث زیان‌دیده به بیمه‌گر، ماهیت بیمه‌ی مسوولیت را تعهد به نفع شخص ثالث دانست.

۴- نتیجه‌گیری

برای تعیین ماهیت حقوقی بیمه‌ی مسوولیت نمی‌توان صرفاً به نظریه‌ی تعهد به نفع شخص ثالث یا پرداخت خسارت منتسب به بیمه‌گذار اتکا نمود. بررسی‌ها

نشان می‌دهد قانون‌گذار حداقل در بیمه‌های اجباری مسوولیت متمایل است ماهیت مستقلی برای این بیمه‌ها در نظر گیرد. ماهیت مستقلی که نه با نهاد تعهد به نفع شخص ثالث تطابق دارد و نه حفظ تعادل دارایی بیمه‌گذار. ماهیتی که ما آن را تضمین جبران خسارت زیان‌دیده به حکم قانون و در محدوده قرارداد بیمه می‌دانیم. این نتیجه به خوبی بر اساس تحلیلی که از مبانی مسوولیت ارایه کردیم حاصل می‌گردد. پیش‌تر بیان نمودیم که تضمین حق، مبنای پذیرفته شده مسوولیت در حوزه‌ی مسوولیت‌های مشمول بیمه‌نامه‌ی اجباری مسوولیت مدنی می‌باشد. مبتنی بر همین استدلال، ماهیت پیچیده بیمه‌ی اجباری مسوولیت مدنی توجیه می‌گردد. واضح است که تضمین حق، چیزی به مراتب بالاتر از ذی‌نفع بودن شخص ثالث است. قانون‌گذار نخواسته است که در بیمه‌ی اجباری مسوولیت مدنی، صرفاً تعهدی به نفع شخص ثالث زیان‌دیده صورت گیرد و یا شخص مذکور ذی‌نفع قرارداد باشد. قانون‌گذار به دلیل ضرورت‌های زندگی اجتماعی در عصر حاضر، نظر به تضمین پرداخت خسارت شخص ثالث زیان‌دیده داشته است. اما خود قانون‌گذار اجازه داده است این تضمین قانونی در چارچوب قرارداد محدود شود. برای مثال سقف مبالغ مورد تعهد بیمه‌گر مطابق با نظر قانون‌گذار در قرارداد محدود شود. در واقع قانون‌گذار حداقل‌هایی را به‌عنوان کف تعهدات بیمه‌گر بر عهده‌ی وی نهاده و سایر مسایل را به توافق طرفین سپرده است.

منابع:

الف- منابع فارسی:

- ۱- امامی، سیدحسن، (۱۳۶۲)، **حقوق مدنی**، تهران، انتشارات اسلامیه.
- ۲- ایزانلو، محسن، (۱۳۸۶)، **شروط محدود کننده و ساقط کننده‌ی مسوولیت در قراردادها**، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۳- بابایی، ایرج، (۱۳۸۸)، **حقوق بیمه**، تهران، سمت.

- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۵۷)، *دایره المعارف حقوق تجارت و مدنی*، تهران، مشعل آزادی.
- ۵- حسینی طرقی، مرتضی محمد، (۱۳۸۲)، *توجیه ماهیت حقوقی تعهد به سود شخص ثالث*، مجله‌ی کانون وکلا، شماره‌ی ۴۵.
- ۶- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۶)، *قواعد عمومی قراردادها*، تهران، شرکت انتشار.
- ۷- کاتوزیان، ناصر؛ لعیا، جنیدی؛ مجید، غمامی، (۱۳۸۶)، *مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- ۸- کاتوزیان، ناصر، محسن ایزانلو، (۱۳۸۷)، *مسئولیت مدنی جلد سوم: بیمه‌ی مسئولیت مدنی*، دانشگاه تهران.
- ۹- کریمی، آیت، (۱۳۸۶)، *کلیات بیمه*، تهران، پژوهشکده بیمه‌ی مرکزی، چاپ نهم.
- ۱۰- محقق داماد: سیدمصطفی، (از پاییز ۷۴ تا بهار ۷۵)، *تعهد به نفع شخص ثالث از نظر شیخ انصاری*، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌ی ۱۷ - ۱۶.
- ۱۱- محمدی، سامک، پاییز و زمستان (۱۳۸۵)، *تمییز تعهد به نفع شخص ثالث از نهادهای حقوقی مشابه*، پژوهش‌نامه‌ی حقوق و علوم سیاسی، سال اول، شماره‌ی دوم و سوم.
- ۱۲- ملایکه پور شوشتری، سیدمحمدحسن، (۱۳۹۲)، *بیمه‌ی مسئولیت مدنی؛ ماهیت و آثار با رویکردی تطبیقی در حقوق انگلستان*، رساله‌ی دکتری رشته حقوق خصوصی، دانشگاه مفید.

ب- منابع عربی:

- ۱- بها الدین مسعود: سعید خویرة، *الآثار المترتبة علی عقد التامین من المسئولیه المدنیه*، (کلیه الدراسات العلیا فی جامعه النجاح الوطنیه فی نابلس، فلسطین ۲۰۰۸).